



Realism and Symbolism in the Short Story "Cookies with Cardamom Flavor" by Mehrdad Sedqi: A Study and Analysis

Lect. Makki Khalid Abdul-Razzaq

makkikhalid@colang.uobaghdad.edu.iq

University of Baghdad / College of Languages / Department of Persian Language

Received Oct 29, 2025

Revised Nov 17, 2025

Accepted Dec 7, 2025

Online Jan. 1, 2026

ABSTRACT

Mehrdad Sadeghi's novel "Cookies with the Taste of Cardamom" is a distinctive literary work that blends realism and symbolism in its portrayal of Iranian society during the Iran-Iraq War. Set in the 1980s in a traditional Khorasan setting, the novel chronicles the daily life of a simple family struggling to survive amidst wartime conditions and economic and social pressures. Sadeghi employs a satirical realism that combines simplicity with depth, revealing the contradictions between ideals and lived reality, and between hope and despair that pervade the people. He uses cultural symbols such as "candy" and "the scent of cardamom" to embody the meanings of childhood, memory, and the longing for lost security.

The novel's use of humor as a psychological tool of resistance against the harshness of reality is prominent, transforming everyday situations into scenes imbued with profound human and political significance. A critical analysis of the narrative structure and linguistic descriptions reveals that the work reflects the social and cultural transformations in Iran from a popular perspective closely aligned with real life. The study confirms that Sadeghi, through this blend of symbolism and realism, produced a literary work that is both documentary and humanistic, embodying the features of contemporary Iranian literature and reflecting the voice of the ordinary person amid war and alienation.

Keywords: Realism and symbolism, (Cookies with a Cardamom Flavor), Mehrdad Sadeghi

الواقعية والرمزية في قصة (حلوى بطعم الهيل) لمهرداد صدقي (دراسة وتحليل)

م. مكي خالد عبدالرزاق

جامعة بغداد / كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

makkikhalid@colang.uobaghdad.edu.iq

المخلص

رواية "حلوى بطعم الهيل" للكاتب الإيراني مهرداد صدقي تمثل عملاً أدبياً مميزاً يجمع بين الواقعية والرمزية في تصوير المجتمع الإيراني خلال فترة الحرب الإيرانية - العراقية. تدور أحداث الرواية في ثمانينيات القرن الماضي داخل بيئة خراسانية تقليدية، حيث يرصد الكاتب الحياة اليومية لعائلة بسيطة تكافح من أجل البقاء وسط ظروف الحرب والضغوط الاقتصادية والاجتماعية. يعتمد صدقي في سرده على أسلوب واقعي ساخر يجمع بين البساطة والعمق، ويظهر من خلاله التناقضات بين المثل العليا والواقع المعيش، وبين الأمل واليأس الذي يخيم على الناس. كما يستخدم الرموز الثقافية مثل "الحلوى" و"رائحة الهيل" لتجسيد معاني الطفولة، والذاكرة، والحنين إلى الأمان المفقود.

يبرز في الرواية توظيف الكاتب للفكاهة كأداة مقاومة نفسية ضد قسوة الواقع، حيث تتحول المواقف اليومية إلى مشاهد تحمل دلالات إنسانية وسياسية عميقة. ومن خلال التحليل النقدي للبناء السردي والتوصيف اللغوي، يتضح أن العمل يعكس التحولات الاجتماعية والثقافية في إيران من منظور شعبي قريب من الحياة الواقعية. وتؤكد الدراسة أن صدقي استطاع من خلال هذا المزج بين الرمزية والواقعية أن يقدم عملاً أدبياً يحمل طابعاً توثيقياً وإنسانياً في آن واحد، يجسد ملامح الأدب الإيراني المعاصر ويعكس صوت الإنسان البسيط في مواجهة الحرب والاعتراب.

الكلمات المفتاحية: الواقعية والرمزية، (حلوى بطعم الهيل)، مهرداد صدقي



ادبیات داستانی معاصر ایران، به ویژه در زمینه نوجوانان، اخیراً شاهد ظهور آثاری بوده که به طور موفقیت آمیزی واقع‌گرایی را با طنز و نمادپردازی ترکیب کرده‌اند. مهرداد صدقی در رمان «آبنبات هل‌دار» با استفاده از تجربیات زندگی شخصی، محیط محلی و آگاهی عمیق از مسائل نسل جدید، توانسته اثری خلق کند که هم سرگرم‌کننده است و هم بار معنایی و اجتماعی قابل توجهی دارد. این رمان، که در سال 1395 توسط نشر سوره مهر منتشر شد، داستانی طنزآلود از زندگی یک خانواده‌ی بجنوردی در دهه‌ی شصت را به تصویر می‌کشد. این اثر، که نخستین جلد از یک مجموعه پنج‌قسمتی است، از دیدگاه محسن، پسر نوجوان و بازیگوش روایت می‌شود و به زندگی روزانه مردم در زمان جنگ ایران و عراق می‌پردازد. واقع‌گرایی در این رمان از طریق بازنمایی دقیق جزئیات زندگی روزمره، لهجه‌ی بجنوردی، و روابط اجتماعی و خانوادگی نمایان می‌شود، در حالی که نمادگرایی در به کارگیری اشیاء، موقعیت‌ها و شخصیت‌ها برای اشاره به مفاهیم عمیق‌تر اجتماعی و فرهنگی مشهود است. این تحقیق با تأکید بر تحلیل متنی و ارجاع به منابع معتبر، به بررسی این دو عنصر و نقش آن‌ها در موفقیت ادبی این رمان در بستر ادبیات معاصر ایران می‌پردازد. هدف این مقاله، تحلیل لایه‌های واقع‌گرایانه و نمادین این رمان با تمرکز بر ساختار داستان، زبان، شخصیت‌ها و فضای اجتماعی آن است.

2-پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل نمادگرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، پژوهش عارفی، محمودی و واثق عباسی (1403) با عنوان تبیین رابطه نمادگرایی با داستان‌های جریان سیال ذهن حائز اهمیت است. نویسندگان این مقاله ضمن بررسی خاستگاه‌های اجتماعی، فلسفی و روان‌شناختی مکتب سمبولیسم، نشان می‌دهند که چگونه این مکتب با شیوه جریان سیال ذهن در داستان‌نویسی پیوند خورده است. آن‌ها معتقدند که نویسندگان ایرانی با بهره‌گیری از عناصر ذهن‌گرایی، ناخودآگاه فردی و جمعی، تخیل، ابهام و آشفتگی، توانسته‌اند مفاهیم انتزاعی و متعالی را از طریق نمادپردازی در ساختار روایی داستان‌ها بگنجانند. این پژوهش با تحلیل دو رمان «سرفونی مردگان» و «شازده احتجاب» به عنوان نمونه‌هایی شاخص از تلفیق نمادگرایی و جریان سیال ذهن، بر ضرورت بازشناسی تکنیک‌های مدرن در ادبیات معاصر ایران تأکید دارد. استفاده از نتایج این پژوهش می‌تواند در تحلیل آثاری مانند آبنبات هل‌دار که در لایه‌های زیرین خود نشانه‌هایی از نمادپردازی در بستر واقع‌گرایانه دارد، مفید واقع شود. (محمودی، عباسی، 1403، ص7)

ممتحن و همکاران (1392) با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و در چارچوب ادبیات تطبیقی، به تحلیل مضامین اجتماعی نظیر فقر، فساد اخلاقی، تناقض بین نسل‌ها و بحران‌های روحی طبقه‌ی بورژوازی در آثار این دو نویسنده پرداخته‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که رئالیسم با بازنمایی دقیق اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و سمبولیسم با استفاده از نشانه‌ها و اشاره‌های هنرمندانه، توانسته‌اند مضامین نوینی را در داستان‌نویسی معاصر ایران و جهان عرب خلق کنند. این پژوهش همچنین به تأثیر روابط تاریخی ایران و کشورهای عربی با اروپا در شکل‌گیری این مکاتب ادبی اشاره دارد و نشان می‌دهد که چگونه این تعاملات به غنای ادبیات معاصر کمک کرده است. (ممتحن، ایران، 1392، ص147)

3-خلاصه داستان

رمان «آبنبات هل‌دار» روایتی از زندگی یک خانواده‌ی خراسانی در بجنورد است که در 26 فصل از نگاه محسن، کوچک‌ترین فرزند خانواده، نقل می‌شود. او به همراه پدر، مادر، بی‌بی، برادرش محمد و خواهرش ملیحه در یکی از محله‌های قدیمی شهر زندگی می‌کند. داستان در بستر جنگ ایران و عراق جریان دارد و تصویری از زندگی روزمره‌ی مردم در آن دوران ارائه می‌دهد. محسن، نوجوانی بازیگوش و سربه‌هوا، محور طنز داستان است و با شیطنت‌هایش، کارهای ساده را به ماجراهایی خنده‌دار و

غیرمنتظره تبدیل می‌کند. دیگر اعضای خانواده، با سادگی و صمیمیت خود، هر یک ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فردی دارند که به خلق لحظات شاد و دل‌چسب کمک می‌کند.

آقاچان عکسی از ملیحه و مریم را در دست گرفته بود و مدام آن را جلو و عقب می‌برد. عینک کهنه‌اش را که یک دسته‌اش شکسته بود و تنها یک دسته‌ی سالم داشت، از جیبش بیرون آورد و به چشم زد. شیشه‌های عینک آن قدر ضخیم بود که انگار چشمانش را از پشت یک شیشه‌ی کلفت آکواریوم می‌دید! آقاچان رو به مامان کرد و گفت: «کبرا، این دختره انگار خیلی کوتاه‌ده... به نظرم خیلی هم نامرتبه!»

مامان با تعجب جواب داد: «تو هنوز نمی‌تونی دختر خودمون رو از غریبه تشخیص بدی؟ این ملیحه‌ست!»

آقاچان با ناله گفت: «وای، حتی با این عینک هم نشناختمش. فکر کنم وقتشه شماره‌ی عینکم رو عوض کنم.»

مامان با لحن کنایه‌آمیزی گفت: «شماره‌ی عینک پیشکش! فقط این دسته‌ی شکسته رو درست کن که جلوی مردم ضایع‌مون نکنه. تو مغازه پیش مشتری‌ها با این عینک پیدات نشه!»

آقاچان که انگار اصلاً حرف مامان را نشنیده بود، دوباره به عکس خیره شد و با غرغر گفت: «این یکی که دماغش از دماغ محمد خودمون هم بدتره، انگار دماغ طوطیه! حالا اگه اینا بچه‌دار بشن، خدا به خیر کنه، حتماً بچه‌شون دماغش شبیه خرطوم فیل میشه! ملیحه، نمی‌تونستی یه همکلاسی خوشگل‌تر برای داداشت پیدا کنی؟»

مامان که حالا حسابی عصبانی شده بود، گفت: «تو رو چه به قیافه و قد و قواره‌ی دختر مردم؟ از زنها هم بدتر عیب‌جویی می‌کنی! خدا رو شکر که دختر به دنیا نیومدی، وگرنه با این سخت‌گیری مثل خواهرت تا آخر عمر مجرد می‌موندی!»

آقاچان که از این حرف جا خورده بود، با دلخوری گفت: «اگه من سخت‌گیر بودم، مگه می‌اومدم با تو ازدواج کنم؟»

مامان هم کوتاه نیامد و گفت: «اگه یکی بهتر از من گیرت می‌اومد، حتماً می‌رفتی سراغ اون! فکر کردی با اون کت کهنه‌ات می‌تونستی دختر پادشاه قصه‌ها رو بگیری؟»

آقاچان هم با طعنه جواب داد: «تو خودت اگه خواستگار بهتر از من داشتی، مگه به من جواب مثبت می‌دادی؟»

داستان در دهه‌ی شصت و در بنبوچه‌ی جنگ ایران و عراق روایت می‌شود. در حالی که جنگ در جریان است، مردم در شهرها و محله‌ها زندگی روزمره‌ی خود را ادامه می‌دهند. پدر و مادر هر کدام دغدغه‌های خودشان را دارند، اما نگرانی اصلی‌شان حفظ آرامش و سلامت خانواده است. محمد، پسر بزرگ خانواده، دانشجویی است که در آستانه‌ی ازدواج قرار دارد و تصمیم گرفته به جبهه برود. محسن و ملیحه هم در گیرودار ماجراهای پرشور نوجوانی هستند. شیطنت‌های محسن، اسارت محمد در جنگ و پیامدهای عاطفی آن برای خانواده، تولد فرزند محمد، سفر زیارتی بی‌بی به مکه، علاقه‌ی محسن به خواهر یکی از دوستانش، روابط دوستانه، رفت‌وآمدها، مراسم‌های خانوادگی و اتفاقات غیرمنتظره، همه و همه دست به دست هم می‌دهند تا داستانی پرکشش و سرگرم‌کننده خلق شود که خواننده را به خنده و تأمل وا می‌دارد.

4-واقع‌گرایی در آبنبات‌هل‌دار

با پیدا شدن بالزاک و استاندال و رسانه‌ها و نوشته‌های آنان و با قیام نویسندگان دیگر بر ضد احساس‌گرایی این مکتب منقرض شد و به جای آن واقع‌گرایی استقرار یافت و با ظهور کسانی مانند فلوربر دیکنز تولستوی داستایوسکی چخوف این جریان مهمترین جریان ادبی قرن نوزدهم گردید (فرشیدورد، 1382، ص 742).

نویسنده رئالیست باید در نوشته‌های ادبی خود از واقعیت محیط، زمانه، جامعه، امیدها، ملت و مشکلاتی که با آنها مواجه است، الهام بگیرد. (جاسم 774 : 2023)

ادبیات واقع‌گرا یکی از بنیان‌های اصلی ادبیات مدرن در دوران معاصر به شمار می‌آید که هدف آن بازتاب واقعیات اجتماعی، سیاسی و روانی انسان است. شکل‌گیری این جریان با تحولات بنیادین قرن بیستم، به‌ویژه جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن پیوندی

تنگاتنگ دارد. پیش از جنگ، کشمکش میان فاشیسم و ضد فاشیسم در بسیاری از جوامع تعیین‌کننده‌ی مناسبات سیاسی و اجتماعی بود. پس از شکست فاشیسم، رویارویی میان نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی در قالب جنگ سرد، عرصه را بر ادبیات نیز تنگ کرد و آن را به دو قطب فکری و ایدئولوژیک کشاند. در این بستر، نویسندگان واقع‌گرا با نگاهی اجتماعی، سعی در انعکاس مبارزات طبقاتی، ستم‌های سیاسی، و بحران‌های هویتی و روانی داشتند. از سوی دیگر، برخی از نویسندگان با فرار از واقعیت بیرونی، به ترسیم ناهنجاری‌های روانی شخصیت‌ها و بیان بحران‌های درونی انسان روی آوردند؛ جریانی که به تدریج مسیر را برای پیدایش رویکردهای نوگرایانه‌تر همچون آگزیستانسیالیسم، پوچ‌گرایی و جریان سیال ذهن هموار ساخت. به‌طور کلی، واقع‌گرایی در ادبیات نه‌تنها بازتاب شرایط بیرونی جامعه است، بلکه دریچه‌ای برای کاوش در لایه‌های درونی فرد نیز فراهم می‌کند و از این رهگذر، پیوندی معنادار میان فرد، جامعه و جهان برقرار می‌سازد. (آذری، 1383، ص 24)

رمان تصویری واقع‌گرایانه از خانواده‌های طبقه متوسط ایرانی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ارائه می‌دهد. مهرداد صدقی با بهره‌گیری از نثر طنز، روایت اول‌شخص و زبان عامیانه، فضایی کاملاً صمیمی و آشنا برای خواننده خلق می‌کند. در این داستان، زندگی روزمره نوجوانی که با مشکلات مدرسه، فشارهای خانواده، دغدغه‌های معیشتی، مناسبت‌های فرهنگی چون شب یلدا و خرید عید، و روابط عاطفی درون‌خانوادگی درگیر است، به شیوه‌ای جزئی‌نگرانه و ملموس ترسیم می‌شود. نویسنده با روایت اپیزودیک و تمرکز بر خاطرات مشترک نسلی، توانسته تصویری جامع از زیست جهان نوجوانان آن دوران و ساختار اجتماعی اطرافشان ارائه دهد. داستان‌هایی مانند خرید لباس عید، شب یلدا، بحث‌های خانوادگی، و خاطرات مدرسه، نه تنها سرگرم‌کننده‌اند، بلکه به‌عنوان اسناد فرهنگی غیررسمی، بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی یک نسل هستند.

5- بازنمایی فضای اجتماعی و فرهنگی

داستان آبنبات هل‌دار در شهر بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی و یکی از مناطق کمتر بازنمایی‌شده در ادبیات داستانی معاصر ایران رخ می‌دهد. این انتخاب مکانی از سوی نویسنده، خود نوعی موضع‌گیری فرهنگی است؛ زیرا به جای روایت‌هایی از کلان‌شهرهای پایتخت‌محور، به بازنمایی زیست‌بوم شهری با هویت محلی قوی پرداخته می‌شود. استفاده از لهجه‌ی بجنوردی در مکالمات روزمره شخصیت‌ها، مانند جمله‌ی «اگه بهتر از من بهت م‌دادن که با همون ازدواج م‌کردی!» (صدقی، 1395، ص 35)، افزون بر آن‌که به روایت اصالت و رنگ محلی می‌بخشد، نوعی واقع‌گرایی زبانی را نیز وارد ساختار داستان می‌کند. این ویژگی زبانی و فرهنگی، امکان غوطه‌وری خواننده را در فضای بومی فراهم می‌کند و پیوندی عاطفی با مخاطبانی برقرار می‌سازد که خود تجربه‌ی زیستن در شهرهای مشابه یا دهه‌ی شصت و هفتاد را داشته‌اند. از این‌رو، داستان نه‌تنها بازنمایی یک مکان جغرافیایی، بلکه بازآفرینی یک جهان ذهنی-فرهنگی است. شخصیت‌ها، آیین‌ها، تعاملات خانوادگی، مناسبت‌های قومی، و حتی جزئیات خانه‌ها و محله‌ها، در جهت ساختن یک حافظه جمعی عمل می‌کنند. در واقع، داستان با این فضاسازی، به‌مثابه سندی فرهنگی عمل می‌کند که زیست‌جهان طبقه متوسط شهرستانی ایران در دهه‌های گذشته را ثبت و بازگو می‌کند.

6- شخصیت‌پردازی واقع‌گرایانه

شخصیت‌پردازی، ساختن و پرداختن شخصیت برای یک روایت است. شخصیت‌پردازی یکی از عناصر ادبی است که ممکن است در یک اثر هنری دراماتیک یا مکالمات روزمره به کار گرفته شود. ممکن است شخصیت‌ها از طریق بیان اوصافشان، اعمالشان یا سخنانشان یا افکارشان یا فعل و انفعالاتشان در برخورد با شخصیت‌های دیگر معرفی شوند. «در شخصیت‌پردازی، مردم آن‌طور که زندگی می‌کنند، ماشین‌هایی که سوار می‌شوند، تصاویری که به دیوار می‌زنند، دوست‌داشتن‌ها و دوست‌نداشتن‌ها، آنچه می‌خورند، و دیگر اشکال شخصیت فردی آنان نشان داده می‌شود. شخصیت داستانی با عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها و با انتخاب‌های خلاقانه افرادی که شخصیت‌های داستانی در نقش آن‌ها هستند، به تصویر کشیده می‌شود. از سوی دیگر، در شخصیت‌پردازی قصد

این است که علایق آنان نشان داده شود و اینکه چگونه به دنیا نگاه می‌کنند، چه می‌پوشند و چه ماشینی سوار می‌شوند.» (سید فیلد، 1390، ص 82)

شخصیت‌های داستان آبنبات هل‌دار نمایندگان اقشار عادی و آشنا در جامعه‌ی ایرانی‌اند که رفتار، گفتار و حتی تردیدهای روزمره‌شان، برگرفته از تجربه‌های زیسته‌ی نسل‌های دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ است. محسن، راوی اول شخص داستان، با ویژگی‌هایی مانند بازیگوشی، شیطنت‌های کودکانه، کنجکامی، و در عین حال حساسیت عاطفی نسبت به خانواده، تصویری باورپذیر از یک نوجوان شهرستانی ارائه می‌دهد. او همان «پسر همسایه» است که برای بسیاری از خوانندگان، یادآور بخشی از گذشته‌ی خود آن‌هاست. شخصیت‌هایی چون آقاجان، پدر بزرگ سنتی خانواده، با ویژگی‌هایی مانند اعتقاد به روش‌های قدیمی، تلاش برای حفظ حرمت خانواده، و طنز ناخواسته‌ای که از موقعیت‌های روزمره برمی‌خیزد، نه تنها وجه کمیک داستان را تقویت می‌کنند، بلکه بر غنای واقع‌گرایانه آن نیز می‌افزایند. برای مثال، صحنه‌ای که آقاجان با عینک شکسته‌اش تلاش می‌کند عکس‌ها را نگاه کند (صدقی، 1395، ص. 34)، ترکیبی از خنده، دلسوزی و آشنایی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

حتی شخصیت‌های فرعی مانند مامان، دایی، یا معلم مدرسه نیز صرفاً تیپ‌های کلیشه‌ای نیستند، بلکه با جزئیات دقیق رفتاری و زبانی، در دل فضای اجتماعی داستان جان می‌گیرند. زبان محاوره‌ای، دغدغه‌های مالی خانواده، اضطراب‌های تربیتی مادر و خلق و خوی بومی هر یک از شخصیت‌ها، آن‌ها را از یک روایت خشک و رسمی خارج کرده و به سطحی از زندگی روزمره می‌آورد که برای مخاطب ملموس، صمیمی و قابل لمس است. از این رو، می‌توان گفت مهرداد صدقی با بهره‌گیری از نثر طنزآلود، زبان صمیمی، و تمرکز بر جزئیات رفتاری، موفق به خلق شخصیت‌هایی شده که هم در بافت واقع‌گرایانه داستان معنا می‌یابند و هم حامل لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی روان‌شناختی نسل‌های گذشته‌اند.

7- بازتاب زندگی پشت جبهه

یکی از نقاط قوت رمان، نمایش زندگی روزمره‌ی مردم در دوران جنگ است. در حالی که جنگ ایران و عراق در جریان است، خانواده‌ی محسن به زندگی عادی خود ادامه می‌دهد. خرید عید در «دقیقه‌ی نودویک» (صدقی، 1395، ص. 87) و شوق تماشای تلویزیون رنگی، نمونه‌هایی از تلاش مردم برای حفظ شادی‌های کوچک در میان سختی‌ها هستند. این تصاویر واقع‌گرایانه، زندگی ایرانیان را در آن دوره با تمام سادگی و صمیمیتش به تصویر می‌کشد. مهرداد صدقی در روایت‌های خود نه به تصویر مستقیم میدان‌های جنگ می‌پردازد، و نه به شعارهای سیاسی، بلکه بر جنبه‌ای کمتر روایت‌شده تمرکز دارد: زیستن در سایه‌ی جنگ. خانواده‌ی محسن، مانند میلیون‌ها خانواده‌ی ایرانی در آن دوره، هم‌زمان با نگرانی‌های ناشی از جنگ، دغدغه‌هایی چون خرید لباس عید، تهیه‌ی آجیل شب عید، و حتی داشتن تلویزیون رنگی را نیز دارند. برای مثال، اشاره به خرید نوروزی در «دقیقه‌ی نود و یک» (صدقی، 1395، ص. 87)، نوعی طنز پنهان در دل اضطراب‌های بیرونی است؛ تلاشی برای حفظ روحیه و نشاط خانواده در زمانی که سایه‌ی مرگ و فقر در اطراف آن‌ها گسترده شده است. این گونه تصاویر نه تنها واقع‌گرایانه‌اند، بلکه با درونی‌ترین لایه‌های حافظه‌ی جمعی ایرانیان دهه‌ی شصت پیوند می‌خورند. خاطره‌ی نان کوپنی، کمبود برنج، صف نفت، و در عین حال عطر جای دم‌کشیده در خانه‌های محقر، در روایت صدقی به گونه‌ای بازتاب یافته‌اند که خواننده را به عمق فضا و زمان داستان می‌برد. بنابراین، رمان نه فقط سندی ادبی از یک دوره‌ی تاریخی خاص، بلکه بازتابی انسانی از تلاش برای حفظ امید، نشاط، و زندگی در شرایط بحرانی است؛ موضوعی که در بستر طنز اجتماعی صدقی، رنگی تازه و مؤثر به خود می‌گیرد.

8- نمادگرایی در آبنبات هل‌دار

نمادگرایی در این رمان به‌عنوان ابزاری برای افزودن لایه‌های معنایی عمیق‌تر به کار گرفته شده است. مهرداد صدقی با بهره‌گیری از نمادها و استعاره‌ها، لایه‌های معنایی متفاوتی به روایت خود می‌افزاید که به خواننده امکان می‌دهد فراتر از سطح ظاهری داستان، به درک عمیق‌تری از موضوعات روانی، اجتماعی و فرهنگی دست یابد. (آبان افلتی، 1390، ص 16)

1-8-آبنبات هل‌دار به‌عنوان نماد

عنوان رمان «آبنبات هل‌دار» اشاره‌ای مستقیم به یکی از سوغاتی‌های سنتی و شناخته‌شده‌ی شهر بجنورد است. این آبنبات که ترکیبی از طعم شیرین و تلخ هل دارد، فراتر از یک خوراکی ساده، نمادی قدرتمند از هویت فرهنگی و روحیه‌ی مردم منطقه به شمار می‌آید.

در بستر داستان، آبنبات هل‌دار نمایانگر شادی‌ها و لذت‌های کوچک و ساده‌ی زندگی است که در دل دشواری‌ها و مشکلات بزرگتر، همچون جنگ و بحران‌های اجتماعی، ارزش و اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این نماد به خوبی بیانگر این است که حتی در شرایط سخت، انسان‌ها به دنبال لحظات خوشایند و دلگرم‌کننده هستند تا بتوانند بار فشارهای زندگی را سبک‌تر کنند.

مهرداد صدقی در مصاحبه‌ای (خبرگزاری جوانان، ۱۳۹۵) درباره هدف خود از نگارش این رمان گفته است که قصد داشته داستانی بنویسد که مخاطب را با حس آرامش و خوشایندی به خواب ببرد؛ این هدف نشان‌دهنده تأکید نویسنده بر اهمیت «شیرینی‌های کوچک زندگی» است که آبنبات هل‌دار به نماد آن تبدیل شده است. از سوی دیگر، خود آبنبات هل‌دار با ترکیب طعم شیرین و تلخ، نمادی از تضادها و تناقض‌های نوجوانی است؛ همان‌طور که شخصیت‌های داستان، به ویژه سارا، میان فشارهای اجتماعی، دغدغه‌های شخصی و شادی‌های کوتاه‌مدت زندگی روزمره دست و پنجه نرم می‌کنند. در نهایت، این نماد به خواننده یادآوری می‌کند که زندگی، با همه سختی‌ها و پیچیدگی‌هایش، همچنان می‌تواند طعم خوشی داشته باشد و امید به آینده، حتی در تلخ‌ترین لحظات، باقی می‌ماند.

2-8-شخصیت محسن و نماد جوانی

محسن، راوی و شخصیت اصلی رمان «آبنبات هل‌دار»، نه‌تنها نقش محوری در روایت دارد، بلکه به‌مثابه‌ی نمادی زنده از روحیه‌ی جوانی و تحولات نسلی در دهه‌ی شصت ایران عمل می‌کند. شخصیت او با مجموعه‌ای از ویژگی‌های معمول نوجوانان—کنجکاوی، شیطننت، شور زندگی و گاهی بی‌پروایی—ساخته شده است. این ویژگی‌ها در دل بستری از جنگ، محرومیت و فضای اجتماعی بسته، نمایانگر تلاش جوانان برای بروز هویت فردی و حفظ شادابی در شرایط دشوار است. محسن در موقعیت‌های مختلف داستان، با کنجکاوی‌های گاه کودکانه و گاه نوجوانانه‌اش، به تصویر کشیده می‌شود. خرابکاری‌های خانگی، حسادت‌های ساده، کشش عاطفی نسبت به خواهر دوستش (صدقی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۳)، و حتی دیدگاه‌های طنزآلودش نسبت به مسائل جدی، نمایانگر نوعی مقاومت روانی در برابر تلخی‌های واقعیت است. او در عین حال که از جنگ و وضعیت اجتماعی آگاه است، اما اجازه نمی‌دهد این واقعیت‌ها شادی درونی او را از بین ببرند. این روحیه، بیانگر یکی از عناصر واقع‌گرایانه‌ی رمان است: پایداری امید در دل بحران.

جوانی در این رمان نه به‌عنوان یک مرحله سنی صرف، بلکه به‌عنوان یک منش و ذهنیت پویا و سرزنده به تصویر کشیده می‌شود. محسن با تمام محدودیت‌ها و ناکامی‌هایی که تجربه می‌کند، همواره در پی کشف، آزمون و خندیدن است. او در اصل، نماینده‌ی نسلی است که در عین مواجهه با کمبودها و محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی، تلاش می‌کند خلاقانه و با زبان طنز، زندگی را تاب بیاورد.

در این چارچوب، محسن نه‌تنها یک شخصیت داستانی، بلکه نماد یک نگرش فرهنگی به جوانی است—جوانی‌ای که در تضاد میان فشارهای سیاسی و فرهنگی و میل طبیعی به رشد، استقلال، و تجربه‌گری تعریف می‌شود. از این منظر، او نمادی از امید، پایداری روانی و نیروی باززاینده‌ی جامعه در روزهای بحران است.

9-جنگ و تأثیرات نمادین آن

هرچند جنگ ایران و عراق در رمان «آبنبات هل‌دار» به‌طور مستقیم محور روایت قرار نمی‌گیرد، اما حضور آن به‌عنوان پس‌زمینه‌ای تلخ و فراگیر در سرتاسر داستان احساس می‌شود. مهرداد صدقی با نگاهی ظریف و غیرمستقیم، تأثیرات روانی،

اجتماعی و خانوادگی جنگ را در زندگی شخصیت‌ها منعکس می‌کند؛ به‌ویژه از خلال روایت‌هایی که به تصمیم برادر بزرگتر، محمد، برای رفتن به جبهه و سپس اسیر شدن او می‌پردازد (صدقی، ۱۳۹۵، ص. ۵۶). محمد، در این ساختار نمادین، تجسم فداکاری، مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی نسلی است که با باور به آرمان‌های دفاعی، عازم میدان جنگ شد. او در نقطه‌ی مقابل شخصیت محسن قرار می‌گیرد که هنوز در دنیای نوجوانی و تخیلات کودکانه سیر می‌کند. این تقابل، ضمن عمق بخشیدن به شخصیت‌ها، نشان‌دهنده‌ی تنوع و اکتش‌ها و نقش‌های نسلی در مواجهه با شرایط بحرانی است. سایه‌ی جنگ، اگرچه ملموس است، اما صدق آن را از زاویه‌ای متفاوت ترسیم می‌کند. او به جای نمایش صحنه‌های خشونت‌آمیز یا غم‌انگیز، به تأثیرات روانی آن در بافت خانواده، کاهش نشاط اجتماعی، کمبود کالاهای محدودیت‌های ارتباطی و دگرگونی نقش‌ها در خانه می‌پردازد. مادر، که با اضطراب اخبار جنگ را دنبال می‌کند؛ پدر، که تلاش می‌کند خانواده را در غیاب پسر بزرگ اداره کند؛ و محسن، که با طنز و تخیل خود سعی دارد از اضطراب بگریزد—همگی نماینده‌ی ابعاد مختلف مواجهه‌ی یک خانواده‌ی ایرانی با جنگ‌اند. در این میان، عنصر طنز به‌مثابه ابزاری برای تاب‌آوری در برابر مصائب عمل می‌کند. طنز در فضای جنگ‌زده‌ی رمان، نه از جنس انکار واقعیت، بلکه شکلی از مقاومت فرهنگی و روانی در برابر آن است. صدقی با این انتخاب هنری، واقع‌گرایی اجتماعی را با نمادگرایی هوشمندانه‌ای پیوند می‌زند که در آن، جنگ نه فقط یک رویداد تاریخی، بلکه یک نماد است—نمادی از فشاری مستمر که انسان را به جست‌وجوی پناهگاهی در میان خرده‌شادی‌های روزمره سوق می‌دهد.

10- ترکیب واقع‌گرایی و نمادگرایی در بستر ادبیات معاصر ایران

رمان آبنبات هل‌دار در بستر ادبیات معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه با تلفیق واقع‌گرایی اجتماعی و نمادگرایی زیرپوستی، توانسته تصویری چندوجهی از زیست ایرانی در دهه‌ی ۱۳۶۰ ارائه دهد. مهرداد صدقی با بهره‌گیری از زبان ساده، طنز بومی، و روایت اول‌شخص از زبان یک نوجوان، روایت خود را در بستری آشنا اما چندلایه پیش می‌برد. این اثر در ظاهر، زندگی روزمره‌ی یک خانواده‌ی طبقه‌ی متوسط در بجنورد را به تصویر می‌کشد، اما در عمق خود، بازتابی از تغییرات اجتماعی، تأثیرات جنگ، فشارهای اقتصادی و دگرپرسی فرهنگی آن دوران است. ادبیات معاصر ایران در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی و دوره‌ی اصلاحات، به‌سمت رئالیسم اجتماعی گرایش یافته است؛ آثاری که بیش از آنکه به روایت قهرمانان اسطوره‌ای یا مضامین سیاسی کلان بپردازند، دغدغه‌ی زندگی روزمره‌ی انسان ایرانی را دارند. در این میان، صدقی با افزودن لایه‌ای از طنز انتقادی و کاربرد زبان محلی بجنوردی، نه تنها به این جریان ادبی تنوع بخشیده، بلکه به خلق فضای نوستالژیک و صمیمی نیز کمک کرده است. در نقد منتشرشده در پایگاه خبری شیرین طنز (۱۳۹۳)،^۱ به‌درستی اشاره شده است که صدقی با اتکا به لهجه‌ی بومی، ضرب‌المثل‌های منطقه‌ای و بازآفرینی سنت‌های خانوادگی، توانسته است حس تعلق و بازگشت به گذشته را در خواننده برانگیزد. اما آنچه این اثر را از صرفاً یک روایت نوستالژیک متمایز می‌کند، حضور عناصر نمادین در بطن این زندگی روزمره است. نمادهایی همچون آبنبات هل‌دار، تلویزیون سیاه‌وسفید، کتاب‌فروشی ممنوعه یا حضور پدر سخت‌گیر و مادر وسواسی، همگی حامل معنای فرهنگی، روان‌شناختی یا اجتماعی‌اند که مخاطب آشنا با بستر تاریخی آن دوران، به راحتی آن‌ها را رمزگشایی می‌کند (سعیدی، ۱۴۰۱، ص ۱۲). بنابراین، آبنبات هل‌دار را می‌توان نمونه‌ای موفق از ادبیاتی دانست که نه فقط تجربه‌ی زیسته‌ی طبقه‌ی متوسط در دهه‌ی شصت را بازتاب می‌دهد، بلکه با بهره‌گیری از نمادهای ملموس، امکان خوانشی فراتر از روایت سطحی را نیز فراهم می‌سازد. این ترکیب هوشمندانه‌ی طنز، واقع‌گرایی و نمادگرایی، آن را در ردیف آثار قابل‌تأمل ادبیات معاصر ایران قرار می‌دهد.

11- نتیجه‌گیری

^۱ جلسه نقد و بررسی «آبنبات هل‌دار» نوشته مهرداد صدقی». پایگاه خبری شیرین طنز. دریافت‌شده در ۲۰۲۱-۰۳-۲۹.

رمان "آبنبات هلدار" نوشته‌ی مهرداد صدقی به عنوان یک نمونه‌ی برجسته از ترکیب واقع‌گرایی اجتماعی و نمادگرایی ادبی در ادبیات معاصر ایران به حساب می‌آید. این اثر با استفاده از زبان طنز و روایت اول‌شخص از دیدگاه یک نوجوان اهل بجنورد، نه تنها تصویری شفاف و واقعی از زندگی خانوادگی و اجتماعی در دهه‌ی ۶۰ را به نمایش می‌گذارد، بلکه با انتخاب هوشمندانه‌ی نمادهایی مانند آبنبات هلدار، شخصیت محسن و تأثیر جنگ تحمیلی، عمق معنایی بیشتری به داستان می‌افزاید. از طرف دیگر، واقع‌گرایی داستان در توصیف فضاهای معمولی، رفتارهای شخصیت‌ها و انعکاس مسائل سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب، به خواننده این اجازه را می‌دهد که با دنیای شخصیت‌ها هم‌دلی کند. همزمان، نمادگرایی موجود در اثر باعث می‌شود که روایت تنها بازتاب‌دهنده‌ی وقایع بیرونی نباشد، بلکه پنجره‌ای به تجربیات جمعی، خاطرات تاریخی و احساس نوستالژیک یک نسل بگشاید. آنچه این اثر را متمایز می‌سازد، ترکیب زیرکانه‌ی زبان گفتاری محلی، طنز شیرین و گاهی تند، و مضامین انسانی مانند خانواده، نوجوانی، جنگ و امید است. این عوامل در کنار یکدیگر موجب شده‌اند که "آبنبات هلدار" نه تنها برای عموم جذاب باشد، بلکه در سطح تحلیلی نیز قابل تأمل و بررسی گردد. به این ترتیب، این رمان از یک سو نوعی بازآفرینی ادبی از حافظه‌ی جمعی مردم ایران در دهه‌ی شصت به شمار می‌رود و از سوی دیگر، نشان‌دهنده‌ی پتانسیل‌های طنز و روایت واقع‌گرایانه در روشن‌سازی مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی است.

12-منابع

- آبان افقالتی، علی (1390). تاریخ ادبیات و نقد ادبی در ایران و جهان، تهران: جمال هنر
- آذری، پ. م.، پرویز معتمدی. (1383). مفاهیم ادبیات واقع‌گرایی پژوهش ادبیات معاصر جهان. شماره 22.
- سعیدی، اسماعیل، (1401)، واقع‌گرایی و شخصیت‌پردازی در داستان‌های نجیب الکیلانی «داستان قصیده عشق»، ششمین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی، همدان،
- سید فیلد، (1390). مبانی فیلم‌نامه‌نویسی (راهنمای گام به گام از فکر تا فیلم‌نامه)، ترجمه سید جلیل شاهی لنگرودی، انتشارات سوره، صص 82-83.
- صدقی، مهرداد. (1395). *آبنبات هلدار*. تهران: نشر سوره مهر.
- عارفی، محمودی، واثق عباسی. (1403). تبیین رابطه‌ی نمادگرایی با داستان‌های جریان سیال ذهن پژوهش‌نامه‌ی مکتب‌های ادبی.. 31-7
- فرشی‌دورد، خسرو. (1382) درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی، ج 2، تهران: امیر کبیر.
- مباشری، محبوبه، خجسته‌زنوزی. (1403). نقد «هژمونی فرهنگی» در رمان آبنبات هلدار. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی. پاییز و زمستان - سال ششم، شماره 12 - از 291 تا 308.
- ممتحن، لک، و ایران. (1392). تحلیل تطبیقی دو مکتب واقع‌گرایی و نمادگرایی در آثار نجیب محفوظ و احمد محمود. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، 12(3)، 147-174
- حیدر احمد جاسم. م. . (2023): الواقعیة فی نتاجات حاییم هزاز. لارک, 15(2), 761-785.

<https://doi.org/10.31185/lark.Vol2.Iss49.3000>

References

- Aban Eftalti, Ali (2011). History of Literature and Literary Criticism in Iran and the World, Tehran: Jamal Honar

- Azari, P. M., Parviz Motamedi. (2004). Concepts of Realism Literature. Research on Contemporary World Literature. Issue 22.
- Saeedi, Esmail, (2012), Realism and Characterization in Najib Al-Kilani's Stories "The Story of the Ode to Love", The Sixth International Conference on Persian Language and Literature, Hamedan,
- Seyyed Field, (2011). Basics of Screenwriting (A Step-by-Step Guide from Thought to Screenplay), Translated by Seyyed Jalil Shahri Langroudi, Sooreh Publications, pp. 82-83.
- Sedghi, Mehrdad. (2016). *Cardamom Candy*. Tehran: Sooreh Mehr Publications.
- Arefi, Mahmoudi, Vathiq Abbasi. (2014). Explaining the relationship between symbolism and mind-stream stories. Research paper on literary schools. 7-31.
- Farshidvard, Khosrow. (2003) On literature and literary criticism, vol. 2, Tehran: Amir Kabir.
- Mobasheri, Mahboobeh, Khojasteh Zenozi. (2003). Criticism of "cultural hegemony" in the novel "Anabat Helder". Interdisciplinary literary research. Autumn and winter - Year 6, No. 12 - from 291 to 308.
- Mumtahn, Lak, and Iran. (2013). Comparative analysis of the two schools of realism and symbolism in the works of Najib Mahfouz and Ahmad Mahmoud. Research paper on comparative literature, 12(3), 147-174
- Haider Ahmed Jassim M. (2023): Realism in the Works of Haim Hazaz. Lark, 15(2), 761-785. <https://doi.org/10.31185/lark.Vol2.Iss49.3000>